

ژئومورفولوژی وپایش تغییرات محیطی

محمد دشتی

رامشت با عنوان «هویت آینه‌ای ایران» و دکتر مقصودی با عنوان «پایش جابه‌جایی ریگ و برخان‌های منطقه غرب لوت (پیشویی)» با استفاده از شاخص سله «ادامه یافت. سپس از شرکت‌کنندگان در همایش پذیرایی شد و در ادامه، آقایان دکتر قهرودی در خصوص پایش مخاطرات زمین‌ساز در خطوط ریلی ایران، دکتر عزیزی در زمینه آب و هوا و تغییرات محیطی، دکتر مهرشاهی درباره پایش فرایندهای بادی در مناطق خشک و دکتر عزت‌الله قنوانی درباره پایش تغییرات خط ساحلی با استفاده از تکنیک‌های RS و GIS برای حاضران سخن گفتند. در ادامه برنامه، شرکت‌کنندگان در همایش، نماز ظهر و عصر را خواندند و پس از صرف ناهار از نمایشگاه عکس و پوستر بازدید کردند.

سخنرانی‌های علمی دومین همایش ملی انجمن ایرانی ژئومورفولوژی با محور ژئومورفولوژی و پایش تغییرات محیطی در نوبت عصر هم ادامه پیدا کرد. در این بخش از برنامه، آقایان دکتر عبدالهی کاکرودی، دکتر عادل سپهر و دکتر مجتبی یمانی در خصوص نوسان‌های تراز دریای خزر در طی هولوسن و شناسایی محیط‌های دیرینه ساحلی و پیچیدگی‌های جبری در ژئومورفولوژی سخن گفتند.

هم‌زمان با برگزاری مراسم در سالن اصلی همایش و پس از برگزاری مراسم



آغاز کرد. آغازگر مراسم افتتاحیه این همایش، تلاوت آیاتی از کلام الله مجید بود و سپس دکتر یمانی و دکتر سیاوش شایان گزارشی در خصوص این همایش ارائه کردند.

مجری بخش اول این همایش دکتر مهدی چوبینه بود.

در ادامه، دکتر فرج‌الله محمودی به عنوان سخنران ویژه همایش در خصوص سابقه دانش ژئومورفولوژی در ایران برای حاضران سخن گفت.

این مراسم با سخنرانی آقایان دکتر

دومین همایش ملی انجمن ایرانی ژئومورفولوژی با عنوان «ژئومورفولوژی و پایش تغییرات محیطی» در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ در محل دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران برگزار شد.

این همایش یک‌روزه که مورد استقبال پیش‌کسوتان حوزه جغرافیا و اساتید صاحب‌نام حوزه ژئومورفولوژی، دانشجویان حوزه جغرافیا و علاقه‌مندان به این رشته واقع شده بود، با حضور دکتر فرج‌الله محمودی، پدر علم ژئومورفولوژی ایران و یکی از استادان برجسته جغرافیا کار خود را

شکل ۱: سبزه‌گرد تخصصی ژئومورفولوژی

حاصل و ثمرهٔ معلمی تا ابد ماندگار است!

گزارش مراسم نکوداشت مفاخر جغرافیا و ژئومورفولوژی ایران

دکتر فرج‌الله محمودی

محمد دشتی

گزارش یک جشن

هوای زمستانی تهران چند روزی است بغض کرده است. دو سه روزی است که از لطافت هوای دلپذیری که خرد و جوان و کهن سال تهرانی را به پارک و بوستان‌ها کشانده بود خبری نیست. دوباره عده‌ای از شهروندان که حساسیت بیشتری دارند، با

آقاجانی، سید کاظم علوی پناه و خانم زهرا مرادپور به تشریح و تبیین آن پرداختند.

در نوبت بعد از ظهر نیز ارائهٔ مقالات پذیرفته‌شده در همایش ادامه داشت و مقالات زیر برای حضاران ارائه شد.

● بررسی تأثیر خشک‌سالی بر مؤلفه‌های هیدروژئولوژیکی چشمهٔ کارستی سبز علی آقایان مجتبی یمانی، محمود علایی طالقانی، عبدالکریم ویسی و طاهر ولی پور. الگوی رسوب‌گذاری در انهار شهری و نقش آن در آب‌گرفتنی (مطالعهٔ موردی: منطقهٔ ۱۱ تهران) / خانم مریم جاری

● تحلیل فرم نیمرخ طولی یال یک

افتتاحیهٔ همایش، برنامه‌های سخنرانی در سالن فرعی همایش نیز جریان داشت و اندیشمندان و شرکت‌کنندگانی که مقالات آنان برای ارائه در همایش پذیرفته شده بود، به ایراد سخنرانی پرداختند.

در همین خصوص، آقای علی احمدآبادی و خانم سمیه خسروی مقالهٔ خود را با عنوان «کاربرد ژئومورفولوژی در پایش تغییرات لندفرم برخان در منطقهٔ مرنجاب» خواندند. «فتراق‌های الگویی در پیامدهای حرکات تکنوتیک جنباً و فرونشست‌های ناشی از سوبسیدانس» عنوان مقاله‌ای بود که آقایان علیرضا شهبازی و محمد حسین رامشت ارائه کردند. آقایان مجتبی یمانی، محمد شریفی کیا، مهران مقصودی، سیاوش شایان و محمد اکبری‌ان در خصوص شیوه‌ها و ابزارهای پایش جابه‌جایی توده‌های ماسه‌ای در پس کرانه‌های ساحلی (نمونهٔ موردی: ساحل غربی جلگهٔ مکران) سخن گفتند. هم‌چنین مقالهٔ «تکنیک‌های تداخل‌سنجی راداری رویکردی نو در پایش تغییرات سطحی زمین (مطالعهٔ موردی: زمین‌لغزش‌های منطقهٔ قطور)» را آقایان شهرام روستایی و حسن احمدزاده ارائه دادند. در ادامه، خانم‌ها صدیقه لایقی و سارا صارمی مقالهٔ خود را با عنوان «تغییرات لندفرمیک بهشت گمشدهٔ زاگرس» ارائه کردند. سپس آقایان مهران مقصودی و سیامک شرفی مقالهٔ خود با عنوان «مطالعات باستان‌شناسی در قلمرو پادگانه‌های رودخانه‌ای را عرضه داشتند».

ترانس‌های رودخانه‌ای شاهدی بر تغییرات اقلیمی در هولوسن (مطالعهٔ موردی: رودخانهٔ قزل اوزن در محدودهٔ استان کردستان) نیز، عنوان مقالهٔ بعدی بود که آقایان موسی عابدینی و امید رحیمی ارائه دادند.

آقای هوشمند عطایی و مهناز شیران در ادامه، مقالهٔ خود را با عنوان «بررسی ژئومورفولوژیکی روند تحول نیمرخ طولی آبراههٔ اصلی دشت گرون» با روش ریاضی برای حضاران ارائه کردند. مقالهٔ بعدی «تعیین پارامترهای آماری، مورفومتری و شیمیایی منطقهٔ گندم بریان کرمان» بود که آقایان عبدالحسین حاجی‌زاده، موسی

علم ژئومورفولوژی علم تجربیدی محض نیست، بلکه علمی ترکیبی است. این علم یکی از علوم زمین است و با سایر علوم نزدیکی بسیار دارد. به نظر من چون فرایندهایی که زمین‌شناسی، هیدرولوژی و اقلیم می‌سازند، به‌طور مشترک در بحث مسائل ژئومورفولوژی دخالت مستقیم دارند، بنابراین کاربرد ژئومورفولوژی می‌تواند توانایی هر سه زمینهٔ علمی را داشته باشد

ماسک‌های ضد آلودگی یا در حالی که با شال‌گردن یا دستمال خود جلو دهانشان را گرفته‌اند، در سطح شهر حاضر می‌شوند. اما روز ۲۱ اسفندماه از همان ابتدای سو کشیدن خورشید از مشرق انگار حال و هوای دیگری دارد. دانشکدهٔ جغرافیای تهران در خیابان وصال شیرازی در این روز میهمان پیش‌کسوتان و صاحب‌نامان حوزهٔ جغرافیا و

دامنه به مثابهٔ متولوژی آقای محمد شریفی تأثیر جهت و ارتفاع پراکندگی سکونتگاه‌های انسانی / غلام‌حسن جعفری و خانم پریسا عطایی

● ارزیابی تأثیر ژئومورفولوژی کارست بر مخاطرات ناشی از آلودگی آبخوان‌های کارستی (مطالعهٔ موردی: آبخوان‌های کارستی حوضهٔ رودخانهٔ لوند) / آقایان سجاد باقری سید شگری، ایثار نورایی صفت، احمد عباسیان و خانم مریم جعفری

پایان بخش مقالات ارائه شده در سالن فرعی همایش، مقالهٔ «پایش حساسیت به فرسایش خندقی با استفاده از مدل رگرسیون چندمتغیره و مدل تجربی ارزش داده‌ها در کیاسر» بود که آقایان عباسعلی افضلی و علی افضلی ارائه دادند.

پس از مراسم اختتامیهٔ این همایش، شرکت‌کنندگان برای حضور در مراسم نکوداشت دکتر فرج‌الله محمودی به خانهٔ اندیشمندان علوم انسانی رفتند و در مراسمی از مقام علمی و جایگاه رفیع ایشان در حوزهٔ جغرافیا و ژئومورفولوژی تقدیر کردند.



شکل ۲: مراسم نکوداشت دکتر فرج‌الله محمودی

ژئومورفولوژی است که برای شرکت در دومین همایش ملی انجمن ایرانی ژئومورفولوژی گرد هم آمده‌اند. همان اول صبح نم بارانی می‌زند و مشتاقان حضور در این همایش که گاه گروهی و گاه به تنهایی از خیابان‌های منتهی به خیابان وصال به سمت دانشکده آمده‌اند، خود را به پناه درختان یا سایه شیروانی‌ها و کنار ستون‌های محوطه ورودی دانشکده می‌کشاند و منتظر آغاز این رخداد علمی و تخصصی در حوزه دانش جغرافیا هستند.

پوسته‌های همایش در قطع‌های کوچک و بزرگ بر درختان حاشیه مسیر یا بر ستون‌هایی که برای این کار در نظر گرفته شده است خودنمایی می‌کنند و در کنار اطلاعات، نوشته‌ها و آرم‌های مرتبط با همایش، تصویر مردی که لبخندی ملیح بر چهره دارد، خودنمایی می‌کند. در میان شرکت‌کنندگان و مدعوین همایش کمتر کسی است که با نام و چهره دکتر فرج الله محمودی آشنا نباشد. در مقابل این تصویر روشن از چهره مردی که امروز دوست‌دارانش برای دیدن او شرکت در همایش را بهانه قرار داده‌اند، نوشته‌اند: «بعد از برگزاری همایش، مراسم نکوداشت استاد دکتر فرج الله محمودی در محل خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار خواهد شد».

صبح آغاز شده است و دومین همایش ملی انجمن ایرانی ژئومورفولوژی کار خود را با موضوع ژئومورفولوژی و پایش تغییرات محیطی شروع کرده، اما هوای تهران در بیرون از فضای برگزاری همایش، شهر را برای خیرمقدم به یکی از فرزندان سخت‌کوش خود آب و جارو کرده است.

ساعت پنج بعد از ظهر دکتر فرج الله محمودی مثل روزهای بسیار دیگری که در زیر باران گذرانده است، فاصله کوتاه بین خیابان استاد نجات‌اللهی تا درب ورودی سالن همایش‌های خانه اندیشمندان علوم انسانی را در میان دوستان و شاگردان و اعضای خانواده و بستگانی که از سرتاسر ایران و بیشتر از استان کردستان به تهران آمده‌اند، می‌پیماید. دانشجویان دورتادور استادی که حالا خود در کسوت استادی مراکز علمی و دانشگاهی حضور دارد، جلوتر می‌آیند و وقتی با گام‌های

بچه‌ها یادتان هست! چه شب‌ها و چه روزهایی را که در دشت و بیابان و جنگل‌های این خاک عزیز و بهشت‌گون زیر باران و توفان و تگرگ با هم سپری نکردیم. کمی تأمل کنید! باران همیشه نمی‌بارد. این باران و دیدار یاران را قدر بدانید

شمرده استاد روبه‌رو می‌شوند، می‌گویند: آقای دکتر خیس شدید! سرما می‌خورید. دکتر محمودی نگاهی به آسمان می‌اندازد، نگاهش به سوی دوستان و همراهان دوران جوانی بازمی‌گردد و با حسرت می‌گوید: بچه‌ها یادتان هست! چه شب‌ها و چه روزهایی را که در دشت و بیابان و جنگل‌های این خاک عزیز و بهشت‌گون زیر باران و در توفان و تگرگ با هم سپری نکردیم. کمی تأمل کنید! باران همیشه نمی‌بارد. این باران و دیدار یاران را قدر بدانید.

مراسم نکوداشت استاد برابر با برنامه اعلامی آغاز می‌شود و دکتر سیاوش شایان که در نوبت صبح هم مدیریت جلسات همایش را بر عهده داشته است، پشت تریبون می‌رود و یادآوری می‌کند که جلسات و برنامه‌های همایش در همان دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران به پایان رسید و حالا ما تمام‌قد اینجا هستیم تا از رتبه و جایگاه استادی و مهم‌تر از آن از جایگاه و شخصیت انسانی معلمی دلسوز و وفادار که هنوز هم خود را معلم می‌داند، در حد و توان خودمان قدردانی کنیم. سپس از دوستان و شاگردان دکتر می‌خواهد تا از خاطرات و لحظات شیرین زندگی و تلمذ نزد دکتر محمودی بگویند. متأسفانه ظرف مجله رشد جغرافیا این اجازه را نمی‌دهد که حتی به بیان گوشه‌ای کوتاه از این گفته‌ها و خاطرات بپردازیم. به همین جهت و به دلیل رعایت شأن و نام همه بزرگانی که در این جلسه نکوداشت حضور داشته‌اند، ضمن ادای احترام به همه آنان از آوردن نام عزیزان حاضر در این مراسم عذر می‌خواهیم و تنها به بیان گوشه‌ای از آنچه خطاب به استاد گفته‌اند،

بسنده می‌کنیم.

شاگردان دکتر فرج‌الله محمودی از ایشان به‌عنوان معلمی یاد کردند که نظم، وقت‌شناسی، دقت در بیان مطالب درسی و انتظار بیان کامل و جامع آن از سوی دانشجو ایشان را از بسیاری از اساتید دیگر متمایز و ممتاز ساخته بود به گونه‌ای که آن‌ها می‌توانستند واژه به واژه مطالبی را که در کلاس درس دکتر محمودی آموخته بودند، با همان حال و هوا بازگو کنند.

صفت معلمی، ساده‌زیستی و سخت‌کوشی، ممارست و تلاش برای یادگرفتن و یاددادن و نظم و موقعیت‌شناسی حرفه‌ای از صفات نیکویی بود که بیشتر حاضران سخن‌گو از آن یاد کردند.

مجلس گرم شده بود و در میان استقبال و شور حاضران در مراسم، گذشت زمان احساس نمی‌شد. حالا و بعد از بیان خاطرات شاگردی و زندگی با دکتر محمودی، زمان آن بود که استاد دوباره رشته سخن را به‌دست گیرد و در میان احترام و سکوت و آرامش مجلس، دوباره برای میهمانان خود سخن بگوید.

استاد که خودش از صبح و همپای دیگر شرکت‌کنندگان در همایش شرکت داشت، سخنش را این گونه آغاز کرد.

ساعت‌های پایانی یک روز قشنگ بارانی را می‌گذرانیم. می‌دانم که خیلی از دوستان از صبح و برخی از دوستان از چندین ماه قبل برای این مراسم تلاش کرده‌اند، پس من سخنانم را خیلی کوتاه می‌کنم و از همه عزیزانی که نشان دادند مردم ایران خدمت‌گذاران خود را فراموش نمی‌کنند، تقدیر به عمل می‌آورم. من در عمر کاری و حرفه‌ای خودم در جلسات زیادی شرکت کرده‌ام و خاطرات زیادی دارم، اما خاطره و شیرینی محبت امروز شما را هیچ‌گاه فراموش نخواهم کرد. همه صحبت‌ها و خاطرات و گفته‌های دوستان در تعریف و قدردانی از من بود، اما من می‌گویم که این تعریف‌ها و قدرشناسی‌ها از مقام معلم است و اگر امروز فرج‌الله محمودی با افتخار این‌جا ایستاده است، همان معلم کوچک و بی‌منتی است که با همه عشق و علاقه‌اش برای خدمت

به فرزندان این سرزمین، معلمی را انتخاب کرده است. این گل‌ها و تقدیرها را باید تقدیم کسانی کرد که از محمودی برترند و هزاران نفر از آنان گمنام و بی‌نشان و بی‌توقع، فرزندان این سرزمین را مثل فرزندان خود می‌پروراند و آنان را برای زندگی بهتر آماده می‌کنند.

دوستان مرا مخیر کردند تا دربارهٔ جغرافیا و ژئومورفولوژی آنچه را می‌خواهم، بگویم، اما حاضر نیستم با این خستگی باز هم مزاحمت ایجاد کنم. شما همه خودتان بهتر و به‌روزتر این مسائل را می‌دانید. اما همین قدر عرض کنم که علم ژئومورفولوژی علم تجربیدی محض نیست، بلکه علمی ترکیبی است. این علم یکی از علوم زمین است و با سایر علوم نزدیکی بسیار دارد. به‌نظر من چون فرایندهایی که زمین‌شناسی، هیدرولوژی و اقلیم می‌سازند، به‌طور مشترک در بحث مسائل ژئومورفولوژی دخالت مستقیم دارند، بنابراین کاربرد ژئومورفولوژی می‌تواند توانایی هر سه زمینه علمی را داشته باشد. البته معنای سخن من این نیست که زمین‌شناسی، هیدرولوژی و اقلیم کم اهمیت‌اند، نه، آن‌ها هم به جای خود اهمیت بسیار دارند، اما مسئله این است که این علوم در کشور ما متولی مشخص و معین دارند، از سازمان و بودجهٔ مشخص استفاده می‌کنند و دولت به این‌ها کمک می‌کند و نتایج کار آن‌ها برای همگان روشن است، که البته باید همین گونه هم باشد.

اما متأسفانه ژئومورفولوژی مسئلهٔ ناشناخته‌ای است که باید تلاش کنیم شناخته شود و من مطمئنم جمعی که با این علاقه‌مندی در همایش صبح شرکت کرده بودند قادر به انجام چنین کاری هستند. فقط یادمان باشد که هوای زمین را داشته باشیم و بدانیم که قرار نیست زمین تا ابد هر بلایی که بر سرش می‌آوریم، تاب بیاورد. با زمین مهربان‌تر باشیم.

هیچ‌گاه هیچ‌یک از شما عزیزان را از یاد نخواهم برد و یادم خواهد ماند که باید معلم بمانم تا دوستانی مثل شما در اطرافم بمانند. از صمیم قلب و با همه‌ی وجودم از شما و همه‌ی کسانی که معلم و دوست خود را از

یاد نبرده‌اند سپاس‌گزاری می‌کنم. شاد و خوشبخت باشید.

سخنی با معلمان

درحاشیهٔ مراسم نکوداشت استاد محمودی با ایشان گفت‌وگویی اختصاصی انجام دادیم و از وی خواستیم از حوزهٔ معلمی که هیچ‌گاه آن را ترک نکرده است، برای معلمان عزیز سخن بگوید، که استاد چنین گفت:

فراموش نکنیم اگر کسی بتواند معلم خوبی باشد، ثمرهٔ آن تا ابد کم نخواهد شد. در دوره و زمانه‌ای که ما معلمی را انتخاب کردیم امر معلمی یک وظیفه بود، چون تعداد افرادی که می‌توانستند معلم باشند کم بود و هر کس که توان و قابلیت داشت، این کار را بر خودش فرض می‌دانست و با عشق و علاقه به دنبال آن می‌رفت.

آن زمان در سنندج که محل زندگی و تحصیل من بود، تحصیلات متوسطه تنها به دیپلم ادبی ختم می‌شد و دیگر فرصتی برای ادامهٔ تحصیل نبود. من همان زمان به دانش‌سرای عالی رفتم و بعد از آن هم به‌طور طبیعی شغل معلمی را پیشه کردم. کار معلمی را از دبستان هدایت شروع کردم و معلم ریاضی بچه‌های کلاس پنجم و ششم شدم و بعد از سه چهار سالی به پیشنهاد مدیر مدرسه، ناظم شدم و تا زمانی که در سنندج بودم این وظیفه را ادامه دادم و تلاش کردم در حد توانایی و ظرفیت خودم، هم از نظر تربیتی و هم از نظر علمی، دوست خوبی برای بچه‌ها باشم.

آن زمان معلم‌ها فوق‌العاده احساس مسئولیت می‌کردند و هنگامی که در کلاس درس حاضر می‌شدند با تمام وجود در خدمت دانش‌آموزان بودند. دانش‌آموزان را بچه‌های خودشان می‌دیدند و حتی در خارج از مدرسه در کوچه و خیابان، مراقب آن‌ها بودند تا به لحاظ جسمی و روحی آسیب نبینند. به همین دلیل هم آن زمان معلم‌ها احترام و شأن بسیار بالا داشتند. این احترام و صمیمیت به گونه‌ای بود که اگر معلمی از کوچه‌ای می‌گذشت و بچه‌ها در آن جا مشغول بازی بودند با دیدن معلمشان کناری

می‌ایستادند و با احترام منتظر می‌ماندند تا از آن مسیر بگذرد و به احترام او کلاه از سر برمی‌داشتند.

من از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۷ در سنندج در مدرسه خدمت کردم و بعد به تهران آمدم. البته در تهران هم شغل معلمی را با عشق و علاقه ادامه دادم تا اینکه در سال ۱۳۴۰ به دبیرستان رفتم و به تدریس درس تاریخ و جغرافیا پرداختم. در سال ۱۳۴۲ این افتخار نصیب من شد که با بورس دولتی به خارج از کشور رفتم و بعد از بازگشت باز هم معلمی را در دانشگاه ادامه دادم و هنوز هم احساس می‌کنم معلمی هستم که هم‌چنان باید بیاموزد و اگر فرصتی به‌دست آید نتیجهٔ

در دوره و زمانه‌ای که ما معلمی را انتخاب کردیم امر معلمی یک وظیفه بود، چون تعداد افرادی که می‌توانستند معلم باشند کم بود و هر کس که توان و قابلیت داشت، این کار را بر خودش فرض می‌دانست و با عشق و علاقه به دنبال آن می‌رفت

آموخته‌های خود را در اختیار طالبان دانش و علم قرار دهد.

به‌عنوان کسی که معلمی را افتخار می‌داند، پیشنهادم به معلمان این است اگر می‌خواهند که در کار معلمی موفق شوند هیچ‌گاه خواندن و آموختن را از یاد نبرند،



شاگردان دکتر فرج‌الله محمودی از ایشان به عنوان معلمی یاد کردند که نظم، وقت‌شناسی، دقت در بیان مطالب درسی و انتظار بیان کامل و جامع آن از سوی دانشجو ایشان را از بسیاری از اساتید دیگر متمایز و ممتاز ساخته بود به گونه‌ای که آن‌ها می‌توانستند واژه به واژه مطالبی را که در کلاس درس دکتر محمودی آموخته بودند، با همان حال و هوا بازگو کنند

و همان‌گونه که در دبیرستان و دانشگاه به دنبال آموختن و یادگیری بودند، باز هم بخوانند و بخوانند و بخوانند و بدانند که اگر آگاه باشند خواهند توانست آگاهی ببخشند. من هم می‌دانم که دوره و زمانه عوض شده است و امروز معلمان ما با مشکلات بسیار روبه‌رو هستند، اما فراموش نکنیم که معلمی هیچ‌گاه کار سهل و آسانی نبوده است و شاید به دلیل همین سختی‌ها در دین مبین اسلام جایگاه رفیع و بی‌همتایی دارد. این دو روز عمر می‌گذرد، اما اگر کسی بتواند معلم خوبی باشد، ثمره همین دو روز تا ابد گم نخواهد شد.

با پدر ژئومورفولوژی ایران بیشتر آشنا شویم

دکتر فرج‌الله محمودی، استاد گروه جغرافیای طبیعی (ژئومورفولوژی) دانشگاه تهران و از پیش‌کسوتان و صاحب‌نظران این رشته در ایران، عضو وابسته «فرهنگستان علوم ایران» و رئیس پیشین انجمن جغرافیای ایران است. دکتر محمودی در سال ۱۳۰۹ در شهر سنندج به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در سنندج به پایان رساند و تا سال ۱۳۳۷ در آنجا به معلمی پرداخت. در سال ۱۳۴۰ وی دوره کارشناسی جغرافیا را در دانشگاه تهران با کسب رتبه اول به پایان برد. پس از آن با بورس دولتی در دانشگاه سوربن پاریس در رشته ژئومورفولوژی به تحصیل پرداخت و

در سال ۱۳۴۶ با دفاع از رساله دکتری خود با عنوان «مطالعه ژئومورفولوژی دره رود سن» دانش‌آموخته شد. وی از سال ۱۳۴۷ در دانشگاه تهران به تدریس و پژوهش مشغول بود تا اینکه پس از ۳۴ سال تدریس در سال ۱۳۸۱ با درجه استادی بازنشسته شد. در طول دوران تدریس با استفاده از امکانات تحقیقاتی دانشگاه تهران سفرهای تحقیقاتی متعددی را انجام داد و با بسیاری از مسائل ژئومورفولوژی ایران از نزدیک آشنا شد، به گونه‌ای که در طول یازده سال سفرهای مطالعاتی و بازدیدهای میدانی روی زمین در تمام نقاط ایران، با مطالعه و بررسی بیابان‌ها، ماسه‌زارها و ریگ‌زارهای ایران و تقسیم‌بندی‌های آن‌ها، کانی‌های صنعتی کویر اسکلت اصلی ژئومورفولوژی ایران را پایه‌گذاری کرد. وی در دوره خدمات دانشگاهی خود بیش از ۱۰ رساله دکترا و ده‌ها مقاله کارشناسی ارشد را هدایت کرد و چهارده سال ریاست انجمن جغرافیای ایران را بر عهده داشت. از این استاد صاحب‌نام کتاب‌ها و مقالات زیادی به یادگار مانده است که برخی جزء منابع اصلی دروس دانشگاهی و دوره‌های عالی تحصیلی در دانشگاه‌هاست.

مراسم نکوداشت پر حاشیه! همه آمده بودند

با آنکه دومین همایش ملی انجمن ایرانی ژئومورفولوژی از ساعات اولیه صبح آغاز و تا قبل از مراسم نکوداشت دکتر محمودی ادامه داشت، قریب به اتفاق شرکت‌کنندگان در همایش در مراسم نکوداشت استاد هم حضور یافتند. ضمن اینکه دوستان و علاقه‌مندان دکتر از شهرهای مختلف و به‌ویژه شهر سنندج و استان کردستان هم خودشان را به مراسم رسانده بودند.

کلاهی که سر همه رفت!

برگزارکنندگان همایش در میان اقلام اطلاع‌رسانی همایش یک کلاه با آرم انجمن ایرانی ژئومورفولوژی نیز به مدعوبین هدیه داده بودند که آقای دکتر محمودی هنگام ورود به سالن مراسم نکوداشت به مزاح به

یکی از شرکت‌کنندگان گفت: بالاخره کلاهی که در همایش سرتان گذاشتند، اینجا به کار آمد.

مستمع صاحب سخن را بر سر شوق آورد!

دکتر دره میر حیدر از اساتید و پیش‌کسوتان حوزه جغرافیا، یکی از سخنرانان مراسم نکوداشت دکتر محمودی بود. این بانوی دانشمند که معمولاً کمتر صحبت می‌کند از حضور در این مراسم و ملاقات با اساتید و دانشجویان رشته جغرافیا و دیگر مدعوبین چنان به وجد آمده بود که بابت طولانی شدن سخنانش از جمعیت حاضر عذرخواست و تأکید کرد که نمی‌تواند آنچه را نسبت به همکار و بزرگ خود در دل دارد بر زبان نیاورد.

طنین موسیقی کردی در نکوداشت فرزند سنندج

گروه موسیقی کردی که ترکیبی از جوانان پر شور و اهل موسیقی دیار کردستان بود، به دعوت یکی از اساتید جغرافیای دانشگاه کردستان، خودشان را به مراسم نکوداشت دکتر رسانده بودند. مسئول جوان این گروه با معرفی دوستانش گفت: ما خیلی دیر از برگزاری مراسم مطلع شدیم، اما چون دیدیم زمانی نام آقای دکتر محمودی به عنوان یکی از مفاخر شهرمان در میان است، درنگ جایز ندیدیم.

همسری که هیچ‌گاه تنه‌ایم نگذاشت

تنی چند از بستگان دکتر محمودی هم در این مراسم باشکوه حضور داشتند. همسر استاد زمانی که روی سن آمد از اینکه عمری توانسته است به اهداف بلند و عالی همسرش کمک کند، اظهار خوشحالی کرد و خدای مهربان را از این بابت شکر گفت که با صحبت متقابل استاد روبه‌رو شد که گفت «این خانم هیچ‌گاه تنه‌ایم نگذاشت. شاید فرصت آن هیچ‌گاه پیش نیامد، اما امشب برای همه آن سال‌ها و تحمل سختی‌ها از ایشان تشکر می‌کنم.»